

واکاوی حکم جراحی زیبایی محض در اعمال عبادی بعد از وقت *

□ علی جهانیان **

□ مهدی اخلاصی ***

چکیده

جراحی زیبایی محض یکی از اقسام جراحی زیبایی به شمار می‌رود که تنها به دلیل دست یافتن به زیبایی انجام می‌پذیرد، اما آن چه در این جراحی مدرن و نوظهور مهم می‌نماید ممنوعیت بعد از عمل جراحی است که شخص برای رسیدن به بهبودی کامل ملزم به رعایت آن است و استفاده نکردن از آب جهت انجام اعمال عبادی از جمله آنهاست. از همین رهگذر ضروری نبودن و لزوم تقویت مقدماتی همچون وضو و غسل نسبت به برخی از اعمال عبادی موجب پدیدار شدن اختلاف نظر هایی نسبت به مشروعیت این عمل در میان فقیهان شده است به طوری که برخی حکم به جواز عمل جراحی زیبایی محض نموده و برخی نیز اگر چه انجام چنین عملی را مشروع نمی‌دانند، اما نسبت به قضا و اعاده نمودن اعمال به جای آورده شده یکسان نمی‌اندیشند. یافته‌های این پژوهش که بر اساس رویکرد تحلیلی - اجتهادی سامان یافته، حاکی از آن است که انجام عمل جراحی محض بعد از داخل شدن وقت اعمالی همچون نماز جایز نبوده و در صورت انجام آن لازم است مکلف اعمال خویش (مانند نماز) را با تیمم به جای آورد، اما نیازی به قضا و یا اعاده اعمال انجام شده در زمان بهبودی نیست. **واژگان کلیدی:** جراحی زیبایی محض، اعمال عبادی، اعاده، تیمم، اجزاء، بدلیت.

*. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۴/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۱/۵.

** سطح چهار حوزه علمیه قم و پژوهشگر مرکز فقهی انجمن اطهار (jahanian280@gmail.com).

*** طلبه مرکز فقهی انجمن اطهار (نویسنده مسئول) (Ekhlasi.m97@gmail.com).

مقدمه

انسان مسلمان، مکلف به انجام اعمال عبادی است که در برخی موارد برای انجام آن نیازمند مقدماتی است، مثلاً در باب مجوزات تیمم آمده است: کسی که یقین دارد آب برای او ضرر دارد، اگر عمداً خود را جنب کند، تیمم واجب و عملش صحیح است اما مرتکب حرام شده است (حکیم، ۱۴۱۰: ۱/۳۷۵). همچنین در باب وجوب حج، همه فقیهان بر این که قبل تحقق استطاعت می‌توان زمینه وجوب حج را (به واسطه شروطی که محقق استطاعت است) از بین برد، اتفاق نظر دارند؛ اما بعد از تحقق استطاعت (بنابر اختلاف مبنایی که در این زمینه وجود دارد) حج مستقر می‌شود و برای مستطیع جایز نیست که زمینه عمل را از بین ببرد، به طور مثال؛ به واسطه مریض کردن، خود را عاجز کند یا هزینه سفر را در جای دیگر استفاده کند (خویی، ۱۴۱۸: ۲۶/۱۰۳). از این رو در عمل جراحی زیبایی محض نیز (که صرفاً به جهت زیبایی انجام شده و ضرورتی بر انجام آن وجود نداشته است) بیمار به دستور پزشک تا زمان بهبودی نمی‌تواند برای وضو و یا غسل از آب استفاده نماید و این خود باعث تشکیک در صحت و مشروع بودن عمل مذکور می‌شود.

به عبارت دیگر؛ با توجه به نظایر این بحث که در فقه مطرح شده است می‌توان موضوع را چنین مطرح نمود که حکم جراحی زیبایی بعد از داخل شدن وقت نماز که موجب تقویت غسل یا وضو می‌گردد، چه خواهد بود؟ نکته‌ای که در این میان شایان توجه است این که اکثر قریب به اتفاق فقیهان معاصر امامیه دیدگاه جواز و مباح بودن جراحی زیبایی را با قطع نظر از آمیخته شدن آن با عناوین محرم، پذیرفته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۲۸: ۲/۴۸۶؛ عباسی، ۱۳۸۷: ۷۶). بنابراین، بحث پیش رو با این پیش فرضی قابل طرح است که جراحی زیبایی به عنوان عملی مجاز قلمداد شود؛ چه این که مشروعیت یا عدم مشروعیت پیامدهای جراحی زیبایی در اعمال عبادی از فروعات جواز و اباحه جراحی زیبایی خواهد بود. بنابراین، مورد اضطرار و ضرورت، از محل بحث خارج است زیرا در جراحی زیبایی که به جهت ضرورت انجام شده، مانند مواردی که به جهت سوختگی یا پیوند انگشتان

جراحی زیبایی ترمیمی صورت می‌گیرد، که در این حال ممکن است روزها استعمال آب برای وضو یا غسل مضرّ باشد در این صورت حکم وجوب غسل و یا وضو، برداشته می‌شود. بنابراین، محور بحث در جایی است که ضرورتی برای جراحی زیبایی وجود ندارد و صرفاً به جهت زیبایی محض، آن هم بعد از وقت، به انجام آن اقدام می‌شود. در این راستا اگر چه موضوع بحث امری جدید می‌نماید که به طور مستقل و استدلالی مورد کاوش قرار نگرفته، اما می‌توان رجوع به نظایر آن در متون فقهی به بررسی آن پرداخت و از جمله موضوعاتی که می‌توان از بررسی آن به راهکارهایی در این زمینه دست یافت، مسئله فقهی دور ریختن آبی است که تنها برای غسل یا وضو کفایت می‌کند.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. جراحی زیبایی

۱-۱-۱. جراحی

این واژه در لغت در دو معنای کسب و پاره کردن پوست به کار رفته است (ابن فارس، ۱۴۱۰: ۱/ ۴۵۱). برخی هم گفته‌اند: جراحات به معنای یک بار ضربه یا طعنه زدن نیز آمده است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۳/ ۷۷). ابن منظور در معنای جراحات آورده است: جَرَحَ یعنی به وسیله سلاح در آن تاثیر گذاشت (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲/ ۴۲۲). در اصطلاح نیز جراحی به معنای هرگونه عملی است که در جهت تشخیص، یا درمان بیماری‌ها، آسیب‌ها و ناهنجاری‌ها که مستلزم شکافتن پوست یا مخاط باشد به کار رفته است (برانی کاردی، ۱۳۸۹: ۲۰). به عبارت دیگر، در معنای جراحی می‌توان گفت: فنی از فنون پزشکی است که به وسیله خارج کردن یا اصلاح، یا کاشتن یا غیر آن از راه‌هایی که از طریق پاره کردن و دوختن بر بدن انجام می‌شود گفته می‌شود (کنعان، ۱۴۲۰: ۲۳۴).

۱-۱-۲. جراحی زیبایی

جراحی زیبایی کمک به شکل دهی مجدد ساختمان طبیعی بدن است که ظاهر بیمار را بهبود بخشیده و به او اعتماد به نفس می‌دهد (برانی کاردی، ۱۳۸۹: ۱۴۳). مجمع فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی در نشست کشور مالزی دانش جراحی زیبایی را این‌گونه تعریف کرده‌اند: جراحی زیبایی به منظور زیباسازی جزء یا اجزای ظاهری جسم انسان یا بازگرداندن عملکرد آن هنگام بروز خللی انجام می‌پذیرد (طباطبایی، ۱۳۹۲: ۱۷۶). بنابراین، در صورتی که جراحی پلاستیک جهت بهبود ظاهر انجام گردد آن را جراحی زیبایی و یا جراحی پلاستیک زیبایی می‌نامند (همان). از این رو این نوع جراحی را به جراحی زیبایی درمانی و جراحی زیبایی محض تقسیم کرده‌اند که جامع بین اقسام این نوع از جراحی، جراحی پلاستیک می‌باشد (کلهرنیا، ۱۳۹۱: ۸۲-۸۴). بنابراین آنچه که برخی محققان در این باره نوشته‌اند: واژه پلاستیک (Plastic) به معنای شکل دادن و قالب زدن مشتق شده است و در واقع جراحان پلاستیک صورت یا بدن فرد را شکل داده و به آن قالب می‌دهند تا به شکلی خوشایندتر در آید (اولسن آر مریل: ۸). و به عبارت دیگر؛ جراح با روش‌های خاصی می‌تواند بافت‌های نازیب و برآمده و نامناسب را اصلاح کند و در زیبا کردن آنها جهد فراوان مبذول دارد (دهخدا، ۱۳۷۳: ۵/۷۵۹۸).

۱-۱-۲. اجزا

«اجزا» در لغت به معنای کفایت کردن، قایم مقام شدن و بی‌نیاز کردن از شیء دیگر است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۶۴/۶). و در اصطلاح عبارت است از: اکتفا به امثال امری با تمام اجزا و شرایط از امثال دوباره همان امر یا امری دیگر؛ به این بیان که هرگاه مولا امری را متوجه مکلف کند و او مأمور به را با تمام اجزا و شرایطی که مولا از او خواسته است، انجام دهد، باعث تحصیل غرض و رضایت او می‌گردد که نتیجه آن سقوط امر مولا و عدم لزوم امثال مجدد آنچه به صورت ادا در وقت و به صورت قضا در خارج وقت از طرف مکلف می‌باشد (فرهنگ‌نامه اصول فقه، ۱۳۸۹: ۷۷).

۲. بیان دیدگاه‌ها

یکی از مقدمات انجام نماز وضو گرفتن است. سوالی که در این جا مطرح می‌شود این است که آیا مکلف مجاز است بعد از داخل شدن وقت نماز آبی که در اختیار وی قرار دارد و می‌تواند از آن برای وضوگرفتن و خواندن نماز با وضو بهره‌برد را به واسطه دورریختن از دسترس خود خارج نماید و سپس برای نماز تیمم نماید؟ در صورت عدم جواز وظیفه وی نسبت به انجام نماز چیست؟ در پاسخ به سؤال اول دو دیدگاه مطرح شده است:

۲-۱. دیدگاه‌ها در خصوص از بین بردن آب منحصر

دیدگاه اول: جواز دور ریختن آب

از نظر برخی فقیهان اتلاف آب وضو بعد از داخل شدن وقت نماز امری مجاز به شمار می‌رود. محقق حلی می‌نویسد:

إذا كان معه ماء فأراقه قبل الوقت أو مر بماء فلم يتطهر و دخل الوقت و لا ماء، تیمم و صلی و لا اعاده، و لو كان ذلك بعد دخول الوقت، فكذاك ... لنا انه صلی صلاة مستكملة الشرائط، فتكون مجزیه و الإراقة للماء سائغة؛ در صورتی که آب همراه شخص موجود است، اما قبل از وقت آب را بیرون می‌ریزد و یا قبل از داخل شدن وقت از کنار آبی عبور کرده، اما طهارت لازم برای نماز را کسب نمی‌کند و وقت داخل می‌شود، در حالی که وی آبی در اختیار ندارد؛ در این صورت وظیفه تیمم و نماز خواندن است و نیازی به اعاده کردن نماز نیست و در صورتی که این حالات بعد از داخل شدن وقت اتفاق افتد، همان حکم (تیمم و خواندن نماز) را دارد. دلیل این حکم نیز عبارت است از این که نماز خوانده شده با شرایط کامل بوده، در نتیجه مجزی است و بیرون ریختن آب و از بین بردن آن نیز امری جایز به شمار می‌رود (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱/۳۶۶).

در نگاه محقق مذکور لازم نیست بعد از داخل شدن وقت نماز، حفاظت از آب جهت انجام وضو به عنوان عملی واجب صورت پذیرد، بلکه جایز است که آب را از دسترس خارج نمود و با تیمم نماز را به جای آورد. براین اساس، مکلف می‌تواند جهت انجام جراحی

محض بعد از وارد شدن وقت نماز اقدام نماید و در صورت عدم امکان استفاده از آب جهت وضو، تیمم نموده و نماز بخواند.

مستندات جواز دور ریختن آب

۱. ادله روایی

روایات متعددی نقل شده است که مفاد آن مساوی بودن طهارت حاصل شده از آب و خاک است که در ادامه این روایات از نظر سندی و دلالت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

روایت اول: حدیث اسحاق بن عمار

از مواردی که با استناد به آن می‌توان بدلیت تیمم از وضو را به نحو مطلق (نه اضطراری) ثابت نمود، روایتی است که در خصوص جواز مباشرت در سفر وارد شده است. در این روایت اسحاق بن عمار نقل می‌کند:

سَأَلْتُ أَبَا إِسْرَاهِيمَ علیه السلام عَنْ رَجُلٍ يَكُونُ مَعَهُ أَهْلُهُ فِي السَّفَرِ فَلَا يَجِدُ الْمَاءَ يَأْتِي أَهْلَهُ فَقَالَ مَا أَحَبُّ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَبَقًا أَوْ يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ؛ از موسی بن جعفر علیه السلام پرسیدم: مردی به همراه خانواده خود به مسافرت می‌رود آیا درحالی که آبی در اختیار ندارد می‌تواند با همسرش آمیزش کند؟ امام علیه السلام فرمود: دوست ندارم چنین کند مگر میل شدید به زنان داشته و یا بر خودش بیمناک باشد» (طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۴۰۵).

در بررسی سندی باید گفت: اگر چه در طریق روایت «علی بن سندی» می‌باشد که برخی او را تضعیف نموده‌اند (خویی، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۲۹). اما با توجه به کثرت روایت بزرگان از وی، می‌توان به روایات او اعتماد نمود، از جمله این افراد می‌توان به ۱۴۱ روایت محمد بن علی بن محبوب که نجاشی درباره او گفته است: «شیخ القمیین فی زمانه، ثقة، عین، فقیه، صحیح المذهب» (۱۴۰۷: ۳۴۹). و عبدالله جعفر حمیری که نجاشی او را جز شیوخ اصحاب می‌داند (همان: ۳۰۳). و نیز محمد بن یحیی العطار که نجاشی درباره او گفته

است: «شیخ أصحابنا فی زمانه ثقه عین کثیر الحدیث» (همان: ۳۵۳) که هر دو از علی بن سندی ۲۳ روایت نقل کرده‌اند، اشاره نمود. بنابراین، کثرت روایت بزرگان، بهترین دلیل بر وثاقت ایشان و موجب اعتبار راوی خواهد شد (زنجانی، ۱۴۱۹: ۳۰۳۱/۹). افزون بر این که از دو طریق دیگر نیز روایت مذکور نقل شده که هر دو طریق صحیح می‌باشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۵/۴۹۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۴۱۸/۷). از ناحیه دلالت نیز در این روایت با این که برای غسل آبی در اختیار نیست اما شخص می‌تواند با همسر خود آمیزش نموده و بعد در صورت نیاز با تیمم نماز بخواند و این به معنای بدلیت مطلق تیمم از وضو و غسل است و به عبارت دیگر؛ از اطلاق روایات "فاقد الماء" بودن شخص قابل برداشت است.

ارزیابی دلیل فوق

اولاً: دلالت روایت مذکور بر مدعا قابل مناقشه است، زیرا؛ اگر چه عبارت «مأحب» دلالتی بر حرمت ندارد، اما شروطی که در ذیل روایت قرار داده شده گویای عدم جواز این عمل است، زیرا؛ در صورتی که این عمل حرام نبوده و تنها کراهت داشته باشد وجهی برای بیان شروط نیست.

ثانیاً: در نگاه برخی از فقها همچون سید یزدی پذیرش جواز مباشرت بدون به همراه داشتن آب به عنوان یک استثناء نسبت به حکم کلی وجوب حفظ آب محسوب می‌شود که دلیل آن نیز وجود روایت فوق بیان شده است (یزدی، ۱۴۰۹: ۴۷۵/۱). بنابراین، نمی‌توان از مورد روایت - جواز مباشرت - الغاء خصوصیت نمود و حکم تیمم را به موارد دیگر نیز سرایت داد، زیرا؛ ممکن است عمل مباشرت دارای خصوصیتی باشد؛ مانند این که در اثر سخت گیری در آن، فرد به گناه بیفتد (امام خمینی، بی تا: ۱۶/۲). البته سید یزدی خود ترک مباشرت در این حال را موافق احتیاط می‌داند.

ثالثاً: مفاد این روایت با مورد محل بحث تفاوت دارد، زیرا؛ آن چه از روایت به دست می‌آید این است که مباشرت در فضایی مطرح گردیده که شخص هیچ آبی برای وضو یا غسل

در اختیار ندارد؛ براین اساس وظیفه وی تیمم بوده است که در صورت عدم مباشرت باید تیمم بدل از وضو کند و در صورت مباشرت تیمم بدل از غسل، اما مورد بحث ما این است که مکلف آب در اختیار دارد و بدون ضرورت آن را از دسترس خارج نموده و به تیمم روی می آورد و این برخلاف قاعده لزوم حفظ شروط وجودیه است (حکیم، ۱۴۱۶: ۴/۳۴۲).

روایت دوم: موثقه سماعه

دلیل دیگری که به آن تمسک شده روایتی است که سماعه از امام صادق علیه السلام به سند ذیل نقل می کند:

الْحُسَيْنُ عَنِ الْحَسَنِ عَنْ زُرْعَةَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ مَعَ الْمَاءِ فِي السَّفَرِ فَيَخَافُ قِلَّتَهُ قَالَ يَتِمِّمُ بِالصَّعِيدِ وَ يَسْتَبْقِي الْمَاءَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ جَعَلَهُمَا طَهُورًا الْمَاءَ وَ الصَّعِيدَ؛ سماعه می گوید: از امام صادق علیه السلام در خصوص مردی سوال نمودم که در سفر است و مقداری آب به همراه دارد که در صورت استفاده برای وضو و... از اتمام آن بیمناک است، وظیفه اش چیست؟ امام علیه السلام فرمود: با خاک تیمم نماید و آب را نگه دارد، همانا خداوند متعال آب و خاک را پاک کننده قرار داد (طوسی، ۱۴۰۷: ۱/۴۰۵).

این روایت از لحاظ سندی قابل اعتماد بوده اما به دلیل وقوع «زرعه» در طریق سند که فردی واقفی است موثقه می باشد. از ناحیه دلالت نیز در این روایت از آب و خاک به عنوان دو طهور یاد شده است که در عرض یکدیگر بوده و هیچ یک بر دیگری تقدم ندارد.

ارزیابی دلیل فوق

یکی از مواردی که می توان برای نماز تیمم نمود جایی است که مکلف ترس از وقوع در تشنگی دارد، به این بیان که اگر آب موجود را برای وضو گرفتن صرف نماید، در آینده خطر تشنگی وی را تهدید می کند و احتمال آسیب دیدن وجود دارد، در این صورت روایات و اجماع (نجفی، ۱۴۰۷: ۵/۱۱۴). بر این استوار گردیده که مکلف آب را برای نوشیدن نگاه دارد و برای نماز تیمم نماید و آن چه که در این روایت مطرح گردیده ناظر به این مطلب است،

در نتیجه می‌توان گفت که قسمت پایانی روایت تنها در مقام بیان مشروعیت تیمم است اما نه به عنوان طاهری در عرض طهارت مائیه، بلکه همان‌گونه که روایت بیانگر آن است یکی از مسوغات رجوع به تیمم ترس از تشنگی است که ناشی از عدم نگهداری آب است.

روایت سوم: صحیحہ مصعب

مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ عَنْ صَفْوَانَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنِ ابْنِ أَبِي يَعْفُورٍ وَعَنْبَسَةَ بْنِ مُصْعَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: إِذَا أَتَيْتَ الْبَيْتَ وَأَنْتَ جُنُبٌ وَلَمْ تَجِدْ دَلْوًا وَلَا شَيْئًا تَغْرِفُ بِهِ فَتَيَمَّمْ بِالصَّعِيدِ فَإِنَّ رَبَّ الْمَاءِ وَرَبَّ الصَّعِيدِ وَاحِدٌ وَلَا تَقْعُ فِي الْبَيْتِ وَلَا تُفْسِدْ عَلَى الْقَوْمِ مَاءَهُمْ؛ در این روایت صحیح امام صادق علیه السلام به ابن مصعب می‌فرماید: زمانی که جنب شدی و به چاهی رسیدی که برای بیرون کشیدن آب سطل ندارد و چیزی هم نیست که به وسیله آن آب بکشی، در این صورت با خاک تیمم کن، چرا که خدای آب، خدای خاک است و وارد چاه نشو و با داخل رفتن آب را بر مردم فاسد نکن (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۵/۳).

در این روایت امام علیه السلام طهارتی که از خاک به دست می‌آید را همانند طهارت آب دانسته است و همان‌گونه که آب طهور است و مجوز نماز و اعمال عبادی مشروط به طهارت قرار گرفته، خاک نیز طهور بوده و از این جهت با هم مساوی‌اند. در نتیجه با توجه به عبارت تعلیل‌گونه «فَإِنَّ رَبَّ الْمَاءِ وَرَبَّ الصَّعِيدِ وَاحِدٌ» که بیانگر تساوی طهارت به دست آمده از آب و خاک است، نیازی به حفظ آب منحصر، جهت انجام طهارت نیست.

ارزیابی دلیل فوق

با دقت در مفاد روایت می‌توان به این امر دست یافت که رجوع به تیمم در زمانی مجاز شمرده شده است که شخص دسترسی به آب نداشته باشد، بنابراین، عنوان «فاقد الماء» بر وی صادق است و این گونه نبوده است که در شرایطی که قدرت بر استفاده آب فراهم بوده، امام علیه السلام استفاده از تیمم را برای نماز اجازه داده باشند. بلکه می‌توان گفت که روایت تأییدی

است بر آن چه بیان شد، زیرا این که امام ۷ فرمود: خدای آب، خدای خاک نیز هست، دلالت بر این نکته دارد که بنای رجوع به تیمم بر اساس تسهیل بنیان نهاده شده است، نه این که امر دایرمدار عجز عقلی باشد، بنابراین، با وجود عذرهایی مانند مشقت و ترس از وارد شدن در چاه و یا مخلوط شدن آب چاه با کثافت و گل و نیز تنفر طبع عمومی از استعمال از آبی که فرد جنب وارد آن شده است، همگی از مواردی است که مصحح رجوع به تیمم است (آملی، ۱۳۸۰: ۷/ ۱۶۴).

۲. تحقق موضوع ادله تیمم

در نگاه برخی فقیهان دلیلی بر حرمت دور ریختن آب بعد از داخل شدن وقت وجود ندارد بلکه بیرون ریختن و اتلاف آن امری جایز است (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱/ ۳۶۶). بلکه می توان گفت: مقتضای ادله ای که طهارت مائیه (وضو) را برای نماز لازم می شمارد این است که در صورت وجود آب نباید به سراغ تیمم رفت اما در این میان نیز ادله ای مانند آیه (فلم تجدوا...) وجود دارد که بیان گر جواز تیمم طهارت ترابیه (تیمم) است، براین اساس مقتضای جمع میان این دو دسته دلیل آن است که موضوع طهارت مائیه خصوص دارندگان آب است که از آن به (واجد الماء) تعبیر می شود و موضوع ادله «طهارت ترابیه» نیز اشخاصی هستند که آب در دسترس آنها نیست که با عنوان (فاقد الماء) از آنها یاد می شود؛ مانند نماز تمام و نماز شکسته که ادله بیان گر تمامیت نماز فرد حاضر (غیر مسافر) اگر چه اطلاق دارد و وجوب مطلق از آن استفاده می شود، اما با توجه به ادله ای که دلالت بر قصر بودن نماز مسافر دارد، آن اطلاق مقید به افرادی می شود که مسافر نیستند، براین اساس تمام و شکسته خواندن نماز دو حکم برای دو موضوع حاضر و مسافر است و در محل بحث نیز مقتضای جمع میان ادله، تخصیص لزوم طهارت مائیه به واجدان آب و طهارت ترابیه به فاقدان آن می باشد و از آنجایی که مکلف به اختیار خود می تواند از حالت حاضر به حالت مسافر انتقال یابد در این جا نیز می تواند از موضوع طهارت مائیه خود را داخل در موضوع طهارت ترابیه نموده و

بعد با تیمم نماز خود را به جای آورد. بنابراین، مکلف می‌تواند خود را از موضوعی خارج کند و داخل در موضوع دیگر نماید و بیرون رفتن از یک موضوع و داخل شدن در موضوع دیگر نیز مانعی ندارد. دلیلی که می‌گوید: «ان كنت حاضراً»؛ اگر در وطن بودی، برای ثبوت حکم حضور در وطن را مفروض گرفته‌است و فرض لزوم وجود جهت ثبوت حکم، مقدمه وجوبیه است که فقیهان به وجوب آن قایل نیستند (انصاری، ۱۳۸۳: ۲۴۳/۱؛ همدانی، ۱۴۱۶: ۱۰۶/۶). به طور مثال می‌گوید: «ان كنت مستطیعاً یجب الحج». یا می‌گوید: «ان كنت حاضراً یجب الاتمام». یا می‌گوید: «ان كنت مسافراً یجب القصر». که موضوع در این ادله مفروض الوجود است یعنی اگر این موضوع محقق شد حج یا قصر یا اتمام واجب می‌شود. بنابراین، مکلف می‌تواند مقدمات وجوبیه را ایجاد نکند تا به این وسیله خود را از دایره تکلیف خارج کند. از این رو وجوب طهارت مائیه (وضو یا غسل) و وجوب طهارت ترابیه (تیمم) مانند وجوب قصر و اتمام است که دو موضوع و دو حکم و دو متعلق داریم که یکی فاقد الماء و دیگری واجد الماء می‌باشد. به همین جهت اگر آب در اختیار مکلف باشد، آیه شریفه: «إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ» (مانده: ۶). او را شامل می‌شود و اگر آب نداشته باشد، آیه شریفه «فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً» (همان). در مورد او صادق خواهد بود. در نتیجه؛ «اراقه الماء» و خارج کردن آب از دسترس از جهت حکم تکلیفی محکوم به اباحه خواهد بود زیرا خارج شدن از موضوعی و داخل شدن در موضوع دیگر محکوم به اباحه است.

ارزیابی دلیل فوق

تقیید زدن اطلاقات توسط مقیدات امری صحیح است، اما این امر در مواردی است که عنوان مقید، عنوان اضطراری به شمار نیاید، زیرا؛ در این صورت عرف تقیید زدن را نمی‌پذیرد، به عبارت دیگر: در این موارد عرف ملاک موجود در دلیل مطلق را مشروط به نبودن مقید نمی‌داند، بلکه در تمامی حالات باید بر طبق دلیل مطلق عمل نمود، مگر در

ظرف عذر که مکلف در این فرض نمی‌تواند بر طبق مؤدای دلیل مطلق عمل نماید. به عبارت دیگر؛ به دلیل اضطرار پیش آمده حکم دلیل مقید ثابت می‌شود (حکیم، ۱۴۱۶: ۴/۳۱۷). در این راستا از مواردی که بیانگر اضطراری بودن تیمم است ذیل آیه ۶ سوره مائده می‌باشد که می‌فرماید: «مَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ». در این فقره از آیه، تیمم به عنوان تسهیل و رفع سختی و حرج مطرح گردیده است، زیرا امر به انجام وضو توسط بیماران و یا یافتن آب برای مسافران به هر نحو ممکن، امری حرجی محسوب می‌شود که شارع مقدس راضی به انجام آن نشده و این احکام را برای رفع حرج وضع نموده است. بنابراین، از این بیان شارع می‌توان به این مهم دست یافت که تکلیف اولی و اصلی طهارت مائیه بوده است که در بردارنده حالت عجز مکلف نیز می‌شود، اما شارع با جعل تیمم، طهارت مائیه را تنها تا زمانی از مکلفین درخواست نموده که در اختیار و قدرت ایشان باشد و در موارد مشقت و سختی تیمم را جای‌گزین آن قرار داده است (امام خمینی، بی‌تا: ۱۳/۲).

دیدگاه دوم: عدم جواز دور ریختن آب

بسیاری از فقیهان از بین بردن آب و اتلاف آن را بعد از وارد شدن وقت نماز جایز نمی‌دانند. سید یزدی می‌نویسد: «لا يجوز إراقة الماء الكافي للوضوء أو الغسل بعد دخول الوقت إذا علم بعدم وجدان ماء آخر و لو كان على وضوء لا يجوز له إبطاله إذا علم بعدم وجود الماء» (سید یزدی، ۱۴۰۹: ۱/۴۷۱). در مصابیح الظلام چنین آمده است: «لو كان عنده ماء يحرم عليه صبّه أو هبته مع اليأس عنه للصلاة و إحواج نفسه إلى التيمّم، سيما بعد دخول الوقت» (بهیانی، ۱۴۲۴: ۴/۲۵۲). در نگاه این فقیهان مکلف موظف است نسبت به حفظ آبی که برای وضو و غسل نیازمند آن است، اقدامات لازم را انجام دهد. با عنایت به این که آن چه در این میان مهم به نظر می‌رسد، نحوه عملکرد مکلف است که به اختیار خویش مرتکب عملی گردیده که به واسطه آن امکان استفاده از آب برای وی ممکن نیست، بنابراین، در اسباب ایجاد کننده این ممنوعیت - استفاده از آب - تفاوتی وجود ندارد، براین اساس،

شخص نمی‌تواند بعد از داخل شدن وقت نماز اقدام به انجام عمل جراحی زیبایی محض کند، زیرا در این صورت وی جهت بهبود عمل انجام شده لازم است از به کار بردن آب خوداری نماید و این به مثابه آن است که آبی که در اختیار وی قرار دارد و می‌تواند با آن مقدمات انجام اعمال عبادی خویش را فراهم سازد را از دسترس خویش خارج سازد. به عبارت دیگر؛ بیرون ریختن آب موجود و یا انجام عملی که موجب ترک استفاده از آب گردد یکسان است.

مستندات عدم جواز دور ریختن آب

فقیهانی که معتقداند مکلف نمی‌تواند در حالت اختیار آبی که وضوگرفتن منحصر در اوست را بعد از وارد شدن وقت نماز از دسترس خارج کند برای اثبات مدعای خود به چند دلیل استناد نموده‌اند که در ادامه به بررسی آنها می‌پردازیم:

۱. آیه قرآن

یکی از دلایلی که برای عدم جواز خارج کردن آب به آن استدلال شده آیه ۴۳ سوره مبارکه نساء است. خداوند متعال در این آیه می‌فرماید:

وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُم مِّنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا؛ و اگر بیمارید یا در سفرید یا یکی از شما از فضای حاجت آمد یا با زنان آمیزش کرده‌اید و آب نیافته‌اید، پس بر خاک پاک تیمم کنید (نساء: ۴۳).

محقق خوئی در تبیین استدلال می‌نویسد:

این آیه دستور می‌دهد در صورتی که آب برای وضو نیافتید، تیمم نمایید و همان گونه که از ظاهر آیه به دست می‌آید؛ مراد از فقدان و عدم دست یابی به آب فقدان طبیعی آن است، بنابراین، شامل حالتی که به طور عادی و طبیعی آب در دسترس مکلف بوده اما وی با اختیار خویش آن را دور ریخته نمی‌شود. به عبارت دیگر: مواردی که انجام دو فعل مطرح است به طوری که انجام دستور دوم منوط به عجز از انجام دستور اول می‌باشد، ظاهر در

این است که فعل دوم بدل اضطراری فعل اول محسوب می‌شود نه بدل اختیاری، در نتیجه؛ این آیه شامل مواردی نمی‌شود که مکلف از ابتدا متمکن و قادر بر انجام فعل اول بوده اما خود را عاجز ساخته است و بعد به انجام فعل دوم پرداخته است. براین اساس، زمانی فعل دوم مطرح می‌شود که فعل اول بدون دخالت مکلف و به طور طبیعی مقدرو نباشد. بنابراین، در صورتی که خود را اختیارا عاجز ساخته است امر دوم شامل وی نمی‌شود. از این رو با عنایت به آن‌چه گذشت؛ مکلف بعد از داخل شدن وقت نماز مجاز به ریختن آبی که برای وضو مورد استفاده قرار می‌گیرد، نیست (خویی، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۰۵).

۲. روایت

روایت محمد بن مسلم دلیل دیگری است که بیان‌گر اختصاص تیمم به حالت اضطرار است: *عَلَى بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَجْتَنَبَ فِي السَّفَرِ وَلَمْ يَجِدْ إِلَّا التَّلَجَّ أَوْ مَاءً جَامِداً فَقَالَ هُوَ بِمَنْزِلَةِ الضَّرُورَةِ يَتِمُّ وَلَا أَرَى أَنْ يَعُودَ إِلَى هَذِهِ الْأَرْضِ الَّتِي تُوْبِقُ دِينَهُ؛* محمد بن مسلم نقل می‌کند به امام صادق علیه السلام گفتیم: اگر کسی در حال سفر جنب شود و بعد از جست‌وجو تنها به برف و یخ دست یافت، تکلیف او چیست؟ امام صادق علیه السلام فرمود: این حالت به منزله ضرورت است که باید تیمم کند، و من روا نمی‌بینم که باز هم به این گونه سرزمین سفر کند که دین او را به تباهی می‌کشد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۶۷).

ظاهر این روایت که از لحاظ سندی نیز صحیح است، گویای این امر است که شخص مسافر به چیزی دست نیافته تا به وسیله آن وضو بگیرد، نه این که امکان تیمم نیز برای وی فراهم نبوده است، بنابراین، روایت به وضوح دلالت بر اضطراری بودن تیمم و مختص بودن آن به حالت ضرورت دارد و جمله پایانی نیز به این نکته اشاره دارد که مکلف نایستی با اختیار خویش شرایط اضطرار را پدید آورد (امام خمینی: ۱۴/۲). بنابراین، مکلف نمی‌تواند در حالت عادی آب مورد نیاز خود را دور ریخته و بعد به واسطه نبود آب به انجام تیمم بپردازد.

۳. اهتمام شارع به طهارت مائیه

با نگاهی به مجموع آن چه که در کتب فقهی با عنوان باب تیمم مطرح شده می‌توان به قراینی دست یافت که حاکی از اهتمام شارع مقدس به طهارت مائیه است و این که در هر زمانی نمی‌توان آن را به کناری زد و به تیمم روی آورد؛ در ادامه به برخی از این قراین اشاره می‌شود:

قرینه اول: لزوم فحص از آب

در مواردی که آب لازم برای انجام طهارت وجود ندارد بلافاصله نمی‌توان به انجام تیمم مبادرت ورزید، بلکه ابتدا واجب است برای یافتن آب به جست‌وجو پرداخت و بعد از یأس از وجود آب تیمم نمود. از مستندات این امر روایت زراره می‌باشد که بیانگر دستور شارع جهت طلب آب است: «عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عليه السلام قَالَ: إِذَا لَمْ يَجِدِ الْمُسَافِرُ الْمَاءَ فَلْيُطْلُبْ مَا دَامَ فِي الْوَقْتِ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۶۳/۳)؛ و «وجوب طلب مقتضی حرمت بیرون ریختن آب منحصر است» (بهیانی، ۱۴۲۴: ۴/۲۶۴). از این رهگذر دانسته می‌شود که از بین بردن آب جایز نخواهد بود، بلکه در صورت عدم وجدان آب، وجوب طلب آمده، پس حفظ وجوب آب منحصر به طریق اولی واجب خواهد بود (نجفی، ۱۴۰۷: ۵/۸۸).

قرینه دوم: لزوم خرید آب برای طهارت

در موردی که مکلف به مقدار لازم آب برای انجام طهارت در دسترس ندارد اما می‌تواند با پرداخت مال آن را تهیه کند، در این صورت لازم است که جهت خریداری آب اقدام نماید و بر این مطلب نه تنها ادعای اجماع شده (طوسی: ۱/۱۶۶) بلکه در روایتی صفوان از امام کاظم علیه السلام نسبت به مردی که آب ندارد اما توان پرداخت هزینه آن را دارد، چنین نقل می‌کند:

سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ اِخْتِاجَ إِلَى الْوُضُوءِ لِلصَّلَاةِ وَهُوَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْمَاءِ فَوَجَدَ يَقْدِرُ مَا يَتَوَضَّأُ بِهِ بِمِائَةِ دِرْهَمٍ أَوْ بِأَلْفٍ دِرْهَمٍ وَهُوَ وَاجِدٌ لَهَا بِشْتَرَى وَيَتَوَضَّأُ أَوْ يَتَيْمَّمُ قَالَ لَا بَلْ يَشْتَرِ قَدْ أَصَابَنِي مِثْلُ ذَلِكَ فَاشْتَرَيْتُ وَتَوَضَّأْتُ وَ مَا يَشْتَرِي بِذَلِكَ مَالٌ كَثِيرٌ؛ در خصوص مردی سوال کردم که برای نماز نیاز به وضو گرفتن دارد اما

به آب دسترسی ندارد، بعد از مدتی به مقدار لازم دست یافته که با پرداخت صد درهم یا هزار درهم می‌تواند آن را تهیه کند. آیا باید آب را بخرد و وضو بسازد، یا می‌تواند تیمم کند؟ ابو الحسن μ گفت: نه، باید آب را بخرد. يك چنین وضعی برای من اتفاق افتاد و من آب را خریدم و وضو گرفتم. آن چه در برابر صد درهم و هزار درهم بدست می‌آورد، ارزش بیشتری دارد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳/۷۴).

از این روایت وجوب خریداری آب استفاده می‌شود و متفاهم از این امر لزوم حفظ موضوع است، چه این که برای وضو که مقدار کمی آب مصرف می‌شود، واجب است صد یا هزار درهم پرداخت کند، از این رو در نظر عرف دور ریختن آبی که با آن می‌توان وضو گرفت منافات با این اهتمام شارع به حفظ طهارت مائیه دارد (نجفی، ۱۴۰۷: ۵/۸۸؛ امام خمینی، بی تا: ۲/۱۵).

قرینه سوم: فهم عرف

مفاهیم عرفی در نظام عبد و مولی چنین است که امر اضطراری در طول امر اختیاری قرار دارد، یعنی تا جایی که ممکن است مبدل منه مطلوب شارع خواهد بود و در صورت عدم قدرت، بدل مورد عنایت قرار می‌گیرد، از این رو تعجیز نفس به جهت فرار از امر مولی و روی آوردن به امر ثانوی، نزد عرف و عقلا قبیح خواهد بود. بنابراین، تعجیز نفس و در نتیجه عدم امتثال طهارت مائیه که تا فرض امکان مورد توجه شارع است و امتثال طهارت ترابیه که برای موارد اضطرار جعل شده است، مورد رضایت شارع مقدس قرار نمی‌گیرد (خویی، ۱۴۱۸: ۱۰/۹۹).

۳. تفویت واجب

از دیگر ادله عدم جواز عملی که به موجب آن طهارت مائیه فوت می‌شود این است که آنچه در حالت تمکن بر مکلف واجب گردیده، نماز با وضو است و مکلف درحالتی که قادر بر اتیان عمل با شرط مذکور است نمی‌تواند با اخلال در این شرط نماز را با تیمم به جا آورد.

در منتهی المطلب آمده است:

لو دخل الوقت و معه ماء يكفيه للوضوء فالوجه تحريم الجماع عليه حينئذ، لأنه يفوت الواجب و هو الصلاة بالمائية؛ هنگامی که وقت نماز است و مکلف نیز به مقدار لازم آب برای وضو گرفتن در اختیار دارد، نمی تواند به عمل زناشویی بپردازد، زیرا در این صورت عمل واجب که نماز با وضو است از وی فوت می شود (علامه حلی، ۱۴۱۲: ۳/ ۱۳۰).

۲-۲. بررسی حکم نماز خوانده شده

نماز از جمله اموری است که در هر شرایطی باید به انجام آن مبادرت ورزید و روایات و اجماع قطعی نیز بر این مهم دلالت دارد، بنابراین، بر شخصی که بعد از وقت اقدام به عمل جراحی نموده، واجب است تا نماز خویش را و لو با انجام تیمم به جا آورد (خویی، ۱۴۱۸: ۱۰/ ۱۰۶). اما نکته ای در این میان مطرح شده که فقیهان نسبت به صحت نمازی که مکلف بعد از داخل شدن وقت اقدام به از میان بردن آب در دسترس خود نمود و سپس با انجام تیمم به خواندن آن اقدام نموده است، اختلاف نظر دارند.

۲-۲-۱. دیدگاه مجزی نبودن نماز خوانده شده

با نگاهی به متون فقهی می توان دریافت که برخی اگرچه حکم به نماز با تیمم نموده اند اما با نگاه تردید به این نماز نگریسته و احتمال اعاده آن را مطرح نموده اند (علامه حلی: ۲/ ۱۶۶). برخی نیز نماز خوانده شده را کافی ندانسته و حکم به اعاده نماز کرده اند. شهید اول می نویسد: «و لو وهب الماء أو أراقه في الوقت أو ترك الطلب و صلى، أعاد» (شهید اول، ۱۴۱۷: ۱/ ۱۳۱). در جای دیگر می افزاید: «و لو أراق الماء في الوقت عصي، مع علمه باستمرار الفقد و يقضي» (همان، ۱۴۱۲: ۸۴). و دلیل این حکم نیز تفریطی است که از ناحیه مکلف صادر شده است (عاملی، ۱۴۱۱: ۲/ ۱۸۵).

ارزیابی دیدگاه فوق

این دیدگاه که مکلف عمل واجب را در وقتش ترک نموده و علت آن نیز کوتاهی وی بوده، در نتیجه باید بعد از وقت، نماز را با وضو قضا نماید، قابل مناقشه می‌باشد، چرا که قضا نمودن نماز در صورتی است که نماز واجب در ظرفش فوت شود و این امر در محل بحث اتفاق نیفتاده است زیرا مکلف نماز را در وقتش به جای آورده است، منتهی در شرط آن اخلال ورزیده است؛ بنابراین، اصل نماز فوت نشده است (خویی، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۰۷). به دیگر سخن؛ عصیان رخ داده در تحصیل وضو (طهارت مائیه) مانع از صدق عنوان «فاقد الماء» که موضوع حکم تیمم است، نمی‌شود. بر این اساس، ادله صحت تیمم شامل نماز خوانده شده می‌شود (حکیم، ۱۴۱۶: ۴/۳۲۱).

۲-۲-۲. دیدگاه مجزی بودن نماز خوانده شده

بسیاری از فقیهان اگر چه از عمل یاد شده با عنوان عصیان یاد کرده‌اند (خویی، ۱۴۱۸: ۱۰/۱۰۷). اما نسبت به نماز خوانده شده با تیمم حکم به اجزاء نموده‌اند، بنا بر این، نماز خوانده شده صحیح بوده و نیازی به قضا کردن در بعد از وقت و زمان بهبود نیست. سید یزدی نیز تیمم و نماز خوانده شده را صحیح دانسته؛ اگر چه قضا کردن نماز را موافق احتیاط می‌داند (یزدی، ۱۴۰۹: ۲/۱۶۹). البته نسبت به مستندات این حکم اختلاف نظرهایی وجود دارد، به طور مثال؛ برخی که معتقد به جواز ریختن آب در وقت نماز شده‌اند، حکم صحت نماز را از این باب دانسته‌اند که نماز خوانده شده از حیث شرایط کامل بوده است و از آن طرف نیز ریختن آب امری جایز است و هیچ‌گونه تقریطی نیز در این میان رخ نداده است (محقق حلی، ۱۴۰۷: ۱/۳۶۶). برخی دیگر نیز وظیفه مکلف را در حالت مذکور تیمم دانسته و بر این باور هستند که ادله مشروعیت تیمم صحت نماز خوانده شده را پوشش می‌دهد. محقق عاملی در بیان علت حکم به صحت می‌نگارد: «لأنه صَلَّى صلاة مأمورا بها بتیمم مشروع فکانت مجزیة» (عاملی، ۱۴۱۱: ۲/۱۸۵).

بنابراین، با عنایت به آن چه گذشت، واضح گردید که کسب طهارت لازم برای انجام اعمال عبادی به واسطه انجام تیمم مختص موارد اضطرار است، بنابراین، مکلف هنگامی می‌تواند تیمم نماید که وضو گرفتن برای وی ممکن نباشد و البته خود نیز ناپستی دخالتی در حدوث این حالت داشته باشد (اختیاری نباشد)، بنابراین، آن چه در این جا به عنوان یک ضابطه و ملاک می‌تواند مطرح شود «وجود حالت اضطرار» است. بر این اساس؛ در عمل جراحی محض که ضرورتی برای انجام آن نیست، مکلف با اختیار خویش به انجام عملی اقدام نموده که نتیجه آن حریمیت از آب و تبدیل عنوان «واجد الماء» به «فاقد الماء» است، همانند این که با اختیار خود اقدام به دور ریختن آب در بعد از داخل شدن وقت نموده است و با توجه به اختیاری بودن این رفتارها مجوزی برای رجوع به تیمم وجود ندارد. بنابراین، مکلف دچار معصیت شده است؛ اما از آن جایی که وظیفه وی به جای آوردن اعمال (نماز) در هر شرایطی است بر وی لازم است که نماز را با حالت تیمم به جای آورد و در پوشش این انجام وظیفه نماز مذکور مجزی بوده و نیازی به اعاده نیست.

نتیجه

در عمل جراحی زیبایی محض تا زمان بهبودی کامل شخص ناگزیر است که از به کار بردن آب پرهیز نماید، در نتیجه برای انجام اعمال عبادی همچون نماز با مشکل مواجه خواهد شد. در نوشتار با کمک گرفتن از مسئله «دور ریختن آب در دسترس و تیمم برای نماز» این نتیجه به دست آمد که انتقال از طهارت مائیه به ترابیه اختیاری نبوده و تنها در موارد اضطرار جایز است، بنابراین، مکلف نمی‌تواند دست به اقدامی بزند که فرایند آن خدشه وارد کردن به مقدمات اعمال عبادی وی است. بر این اساس، انجام عمل جراحی زیبایی محض بعد از داخل شدن وقت نماز جایز نبوده و در صورت اقدام به جراحی علاوه بر آن که شخص مرتکب معصیت شده، لازم است که نماز خود را با تیمم به جای آورد و این نماز مجزی بوده و نیازی به اعاده و قضا نیست.

کتابنامه

قرآن کریم.

- آملی، میرزا محمدتقی، **مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی**، تهران، بی جا، چاپ اول، ۱۳۸۰ق.
ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب**، محقق: احمد فارس صاحب الجوائب، بیروت، دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع، دار صادر ۱۴۱۴ق.
احمد بن فارس بن زکریا، ابوالحسین، **معجم مقائیس اللغة**، عبد السلام محمد هارون، قم، دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۴۰۴ق.
انصاری، مرتضی بن محمدامین، **مطارح الانظار**، ابوالقاسم کلانتری، قم، مجمع الفكر الاسلامی ۱۳۸۳ش.
برانی کاردی، چارلز، **اصول جراحی شوارتز**، (آزار سیف مترجم) تهران، انتشارات ارجمند و نسل فردا، ۱۳۸۹ش.
بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل، **مصایح الظلام**، قم، مؤسسه علامه المجدد الوحيد البهبهانی، ۱۴۲۴ق.
حکیم، سید محسن طباطبایی، **مستمسک العروه الوثقی**، قم، مؤسسه دار التفسیر، ۱۴۱۶ق.
_____، **منهاج الصالحین (المحشی)**، تعلیقه: سید محمدباقر صدر، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، ۱۴۱۰ق.
حلی، جعفر بن حسن، **محقق اول، المعتبر فی شرح المختصر**، محقق: محمدعلی حیدری، قم، مؤسسه سید الشهداء، ۱۴۰۷ق.
حلی، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، **منتهی المطلب فی تحقیق المذهب**، مشهد، مجمع البحوث الإسلامية، ۱۴۱۲ق.
خمینی، سید روح الله موسوی (بی تا)، **کتاب الطهارة**، قم، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
دهخدا، علی اکبر و دیگران، **لغتنامه**، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۳.
شیرازی زنجانی، سید موسی، **کتاب نکاح**، قم، مؤسسه آموزشی رای پرداز، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.
طباطبایی یزدی، سید محمدکاظم، **العروه الوثقی**، بیروت، مؤسسه الاعملی للمطبوعات، چاپ دوم، ۱۴۰۹ق.

واکاوی حکم جراحی زیبایی محض در اعمال عبادی بعد از وقت □ ۱۲۷

- طباطبایی، محمد صادق، شبور، قادر، گونه شناسی تعهد و مسئولیت پزشک در جراحی زیبایی و ترمیمی، فصلنامه فقه پزشکی، ۵ (۱۷)، ۱۹۰-۱۶۳-۱۳۹۲.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- عاملی محمد بن علی موسوی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرایع الاسلام، بیروت، مؤسسه آل البیت علیه السلام، ۱۴۱۱ق.
- عاملی، محمد بن مکی (شهید اول)، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۷ هـ.ق.
- _____، البیان، (محقق/ مصحح: محمد حسون)، قم، بی جا، ۱۴۱۲ هـ.ق.
- عباسی، محمود، جراحی زیبایی از منظر فقه و حقوق پزشکی، ایوب شکر امرجی، فصلنامه حقوق پزشکی، سال دوم، شماره ششم، ۱۳۸۷ش.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد، تفصیل الشریعه فی شرح تحریر الوسیله، الدیات، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، ۱۴۱۸ق.
- فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، (ج ۷). مصحح: دکتر مهدی مخزومی و دکتر ابراهیم سامرائی، قم، نشر هجرت، ۱۴۱۰ق.
- کلهرنیا گلکار، میثم و همکاران، بررسی فقهی حقوقی مبانی و محدوده تجویز جراحی های زیبایی و ترمیمی، حقوق پزشکی، ۶ (۲۱) ۱۱۹-۷۹، ۱۳۹۱ش.
- کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، محقق علی اکبر غفاری، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
- کنعان، احمد محمد، الموسوعه الطبیه الفقهیة، بیروت، دارالنفاس، ۱۴۲۰ق.
- مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، فرهنگ نامه اصول فقه، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۸۹ش.
- موسوی خویی، سید ابوالقاسم، موسوعه الامام خویی، مقرر، جمعی از اساتید، قم، مؤسسه احیاء آثار الامام خویی علیه السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- نجاشی، احمد بن علی، رجال نجاشی_ فهرست اسماء مصنفی الشیعه، محقق: سید موسی شبیری زنجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۰۷ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، محقق: عباس قوچانی، علی آخوندی، بیروت، دار احیا التراث العربی، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ق.

همدانی، آقا رضا بن محمد هادی، مصباح الفقیه، جمعی از محققان، قم، مؤسسه الجعفریه
لاحیاء التراث و مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۶ق.